

## فراخوان بین المللی در دفاع از حقوق کارگران ایران یا زمینه سازی تحکیم مناسبات بردگی مزدی

آقایان! فشرده ۶ پاراگراف بخش اول متن فراخوان شما که با کلمات "از آنجاییکه" آغاز میشود، بطور ساده اینهاست:

رژیم اسلامی در طول ۲۴ سال اخیر با تصویب سه لایحه جداگانه موادی از "قانون کار" را نقض کرده است. مشکلات فلاکت باری را از نظر اقتصادی و اجتماعی بر کارگران تحمیل نموده است، شوراهای کارگری دموکراتیک را منحل و بسیاری را اخراج، زندانی و اعدام کرده است و شوراهای اسلامی را جایگزین آن نموده و اینکه بالاخره کارگران فاقد سندیکا و تشکیلات هستند و..... . سپس با استناد باین واقعیتها که گوشه بسیار ناچیزی از درندگیها و جنایات رژیم اسلامی علیه کارگران است، از سازمان بین المللی کار و "اتحادیه های آزاد" جهان، یعنی نهادهای کنترل جنبش کارگری توسط سرمایه در خواست کرده اید که از رژیم ایران بخواهند تا به قانون کاری که خودش وضع کرده است احترام بگذارد و مصوبه های حذف کارگران کارگاههای زیر ۱۰ نفر از شمول قانون کار ضد کارگریش را، لغو کند. شوراهای اسلامی را به رسمیت نشناسد! و به کارگران اجازه تدارک برای ایجاد سندیکا یا اتحادیه را بدهد.

آقایان! شما با نگارش این فراخوان خیلی صریح به منافع طبقه کارگر پشت کرده اید و به جای کمک به تقویت و تحکیم جنبش ضد سرمایه داری کارگران عملاً وجود این جنبش را انکار و به چشم فعالینش خاک پاشیده اید. در نظر بیاورید که:

زیر نام و عنوان "حامیان کارگران" بر ماهیت پیکار طبقاتی جاری آنان خط بطلان کشیده و چنین وانمود کرده اید که گویا تمامی طول و عرض و ارتفاع مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه به نارضائی از دستکاری "قانون کار" موجود توسط رژیم اسلامی خلاصه می شود، آقایان! جای تأسف عمیق است که شما با این کارتان قانون کار رژیم اسلامی سرمایه، این جنایت آمیزترین منشور بردگی مزدی کارگران را بنوعی مشروعیت داده و آن را بعنوان سند تضمین حقوق کارگران رسمیت بخشیده اید. شما همچنین بطور رقت باری تمامی انتظارات توده های کارگر را در داشتن یک سندیکا، بقول خودتان "تشکل مستقل" یا در واقع داشتن محلی برای عقد رضایت آمیز قرارداد فروش نیروی کار و سپس اجتناب رژیم اسلامی سرمایه از دستکاری منشور جنایت بار بردگی مزدی مثله کرده اید.

آیا این نوع پرده کشیدن بر واقعیت توحش بار رابطه کار و سرمایه، این نوع استتار استثمار

وحشیانه و بی حقوقی و ستمکشی کامل کارگر ایرانی را میتوان دفاع از حقوق طبقاتی آنان نام نهاد؟

آیا واقعاً مشکل کارگر ایرانی فقط جا به جا شدن و تغییر چند بند "قانون کار" رژیم اسلامی است؟ آیا فقر و فلاکت کارگر ایرانی ناشی از نداشتن ظرفی برای عقد قرارداد مسالمت آمیز با بورژوازی، پیرامون فروش نیروی کارش می باشد؟

آقایان! آیا شما به راستی بر این باورید که قانون بردگی مزدی (قانون کار)، قرار است آزادی و رفاه و زندگی انسانی کارگران را تضمین کند؟ آیا با امضای این طومار عملاً چنین توهم عمیقاً مخربی را در ذهن کارگران القاء نموده اید؟

برای من و خیلی ها مشخص است که این فراخوان توسط چه کسانی تنظیم شده و از بطن کدام گرایش طبقاتی ضدکمونیسم بر می خیزد. تا اینجا که به این طیف بر میگردد، هیچ جای شگفتی نیست. مسأله امضاها اما حکایتی دیگر است. امضاها قبل از هر چیز بیان این حقیقت شوم است که براستی مرز و مرزکشی های درون طیف چپ ایران، بطور وحشتناکی مصنوعی و کاریکاتوری است. امضاها گواه بارز این واقعیت است که درست بر خلاف آن حرف تاریخی و زنده مانیفست کمونیست، که "کمونیست ها هیچ منافعی بجز منافع طبقه کارگر ندارند"، "کمونیستهای" زمان ما گویا هر نوع منافعی دارند و تنها منافعی را که نمایندگی نکرده و نمی کنند، منافع طبقاتی توده های کارگر است. وقتی که پای اعلام مواضع سازمانی مطرح است عضو سابق حزب کمونیست کارگری و فعالین سرشناس حزب کمونیست ایران، با حزب توده، اکثریت و مرتضی محیط دوم خردادی و..... آنچنان در حرف و نوشته هایشان مرز بندی میکنند که مو لای درزش نمی رود اما وقتی که سخن از ریشه یابی فقر و فلاکت طبقه کارگر و طرح انتظارات و مطالبات اساسی این طبقه است، وقتی که سخن از مبارزه طبقاتی کارگران و جنبش کارگران علیه بردگی مزدی است، ظاهراً همه از یک جنس و یک ماهیت اند!! همه یک حرف دارند، تعجب نکنید! در اینجا رنگها به کنار می رود و تمامی آنان با صلح و صفا در کنار هم بساط فراخوان مشترک می گسترانند. توده ای، اکثریتی، مجاهد، شورای مقاومتی، ناسیونالیست، لیبرال دوم خردادی و سندیکالیست رسمی ضد کمونیست، همگی عقد برادری می بندند. به راستی مبارزه طبقاتی پرولتاریا، جنبش ضد بردگی مزدی کارگران، کمونیسم، مارکسی بودن و نظائر اینها چقدر برای اینان بی ارزش و بی مقدار است!! آنقدر بی مقدار که عناصر تمامی فرقه های پراکنده که در موضع گیری های سازمانی خود علیه یکدیگر به غیر از فحش و ناسزا چیز دیگری به هم تحویل نمی دهند در اینجا میتوانند جبهه واحد تشکیل دهند!!!

آقایان! شما هر گونه که بخواهید میتوانید واقعیت استعمار و فقر و فلاکت توده های کارگر ایران را باژگونه جلوه بدهید و به بدترین شکلی انتظارات جنبش کارگری را مسخ و تحریف کنید، اما بگذارید بعنوان یک کارگر این واقعیت را که درطول عمر نظام سرمایه داری تاکنون بارها و بارها گفته و نوشته شده و من و شما در روند زندگی مان آنرا با گوشت و پوستمان تجربه کرده ایم، یکبار دیگر به شما بگویم که ریشهٔ تمامی بدبختیها، ستمکشی ها، فقر و فلاکت کارگران، در وجود نظام ضد انسانی و جنایتکار سرمایه داری، در رابطهٔ خرید و فروش نیروی کار و در نفس موجودیت کار مزدوری نهفته است. طبقهٔ کارگر ایران به میزانی که حول سیاست محو کار مزدوری متحد شود، می تواند مطالبات اقتصادی، سیاسی خود را به بورژوازی تحمیل نماید. کارگران ایران باید در جریان این نوع مبارزه متشکل شوند، باید این متشکل شدن را بر سرمایه داران و دولت سرمایه داری به زور و با قدرت طبقه شان تحمیل کنند.

شما همه چیز را در این حوزه وارونه می فهمید، آنچه که بنام حمایت از حقوق کارگران تنظیم نموده اید، متأسفانه چیزی بجز القاء باور به بردگی مزدی در ذهن کارگران نیست.

جمشید کارگر

۲۰۰۳/۲/۱۹